

# ژورنال

شماره ۹۸۷

۱۵ مارس ۲۰۲۵ - ۲۵ اسفند ۱۴۰۳ سردبیر این شماره سیاوش آذری

در این شماره ژورنال:

جوان دیگری زیر شکنجه کشته شد

سیما بهاری

آخرین جمعه سال و گلزار خاوران

بابک یزدی

قانون عفاف و حجاب، باتلاق رژیم اسلامی!

سینا پدرام

دست فقه اسلامی از زندگی مردم سوریه کوتاه

محسن ابراهیمی

رمضان، چهارشنبه سوری و درماندگی حکومت

آزاده از ایران

## جوان دیگری زیر شکنجه کشته شد

### سیما بهاری

”روز پنجشنبه ۲۳ اسفند، حیدر محمدی (حسنوند) اهل خرم آباد توسط اداره آگاهی نهاوند دستگیر و چند ساعت بعد زیر شکنجه مأموران این نهاد امنیتی کشته شد.“ رسانه های دولتی از ”مرگ مشکوک“ این جوان در بازداشتگاه اداره آگاهی شهر نهاوند سخن میگویند.

وقتی مهسا امینی را کشتند، گفتند به خاطر ایست قلبی فوت کرد. گفتند در کودکی مشکوک به داشتن تومور مغزی بوده. گفتند آرمیتا گراوند بر اثر افت فشار خون به کما رفت و دیگر بیدار

نشد. ستار بهشتی هم مرگش مشکوک بود. زهرا کاظمی غش کرد و سرش به زمین اصابت کرد.

این لیست میتواند بسیار طولانی باشد. همه کسانی را که زیر شکنجه سلاخی میکنند، یا پیش زمینه بیماری داشته‌اند یا خودکشی کرده‌اند و یا مرگشان مشکوک است. آنجا هم که اقرار میکنند در فلان ارگان کسی به قتل رسیده، یک مأمور جزء که چه بسا بیگناه باشد، را قربانی میکنند و کاسه کوزه‌ها را سرش میشکنند.

با دم و دستگاهی طرفیم که سر تا پایشان دروغ و دغلبازی و بیشرافتی است. کار بدستان این رژیم همگی از ریز و درشت آدمکشند. جنازه حیدر

محمودی را فقط چند ساعت پس از بازداشتش به خانواده تحویل دادند و گفتند عکس نگیرید. همانطور که جنازه‌های بسیاری از قربانیان دیگر را نیز نه اجازه عکس برداری دادند، نه تشیع جنازه، و نه مراسم. از سایه خودشان هم میترسند. باید هم بترسند. مردم انبار باروت هستند. هر لحظه امکان انفجارشان هست. جلو این انفجار را نمیشود گرفت.

کارنامه جنایات جمهوری اسلامی پر است از مواردی همچون حیدر محمدی. مرگ زیر شکنجه. یک مشت مأمور آتش به اختیار قاتل که هر چه شرارت دارند را سر فرد دستگیر شده خالی میکنند. آتش به اختیارند و التزامی برای

توضیح جنایاتشان ندارند. چرا که مأمور بالاتری از خودشان کثافت تر و جانی تر است. همگی دستشان در خون انسانهای بیگناه است. با چنگ و دندان دارند موقعیتشان را پاس میدارند. وحشت زده اند چرا که مردم حرفشان را نمیخوانند.

خاکریزه‌هایشان یکی یکی توسط مردم خشمگین فتح میشود. زندانهایشان کانون پر قدرت مبارزه است. ماه عزاداری و ریاکاری رمضانشان را مردم به هیچ میگیرند. در منگنه مذاکره یا عدم مذاکره با شیطان بزرگ گیر کرده‌اند. خودشان میدانند که هر روز به سرنگونی نزدیکتر میشوند. میدانند که پیروز این میدان ما مردم هستیم.

# آخرین جمعه سال و گلزار خاوران

## بابک یزدی

خانواده های قربانیان کشتار تابستان ۶۷ هر سال سعی دارند در آخرین جمعه سال بر مزار فرضی عزیزانشان رفته و یاد و راهشان را گرامی بدارند.

رژیم اسلامی گورستان خاوران را به گورستان جمعی هزاران کمونیست و مجاهدی که در قتل عام ۶۷ در دادگاه‌های مخفی و چند دقیقه‌ای بدون وکیل و با پرسش‌هایی نظیر "مسلمانی؟" "نماز می‌خوانی؟"، "سازمان متبوعت را محکوم می‌کنی؟"، آیا حاضری در جوخه... شرکت کنی؟" پاسخ منفی داده بودند به اعدام محکوم شدند

تبدیل و آنها را در گورهای جمعی چال کرد.  
این محاکمات و دادگاه‌ها در کمتر از چند هفته  
در تابستان ۶۷ در اوین و قزلحصار برپا بود.

جلادان مرگ از اوین به قزلحصار و برعکس، عاملان  
و آمران کشتار جمعی مبارزان و کمونیست‌ها و  
انسان‌های آرمانخواهی بودند که تا لحظه پایان  
بر سر آرمانهایشان ایستادند. زندانیانی که بعضا  
حکم زندان خود را تمام کرده و یا یکی دو ماه به  
پایان آن مانده بود! رژیم این محل را "گورستان  
کفار" و یا "لعنت آباد" می خواند و خانواده‌های  
قربانیان آن را "گلزار خاوران" می نامند.

شاملو در آن زمان نوشت:

”آنک قصابانند بر گذرگاه ها مستقر

با کنده و ساطوری خون آلود

روزگار غریبی ست نازنین!

و تبسم را بر لب ها جراحی می کنند و ترانه را

بر دهان

شوق را در پستوی خانه نهان باید کرد

کباب قناری بر آتش سوسن و یاس

روزگار غریبی ست نازنین.“

هر سال در سالگرد این جنایت خانواده‌ها بر سر

مزار عزیزان رفته و درختچه و یا گلی بر مزار

فرضی عزیزان خود می کارند و مزدوران رژیم

درختچه‌ها را با بولوذر با خاک یکسان می کنند

چون از مزار مبارزین هم وحشت دارند و این



داستان سالهاست ادامه دارد.

در فردای سرنگونی رژیم گلزار خاوران را به موزه جنایات رژیم تبدیل خواهیم کرد. دادگاه‌های مردمی برای آمرین و عاملین باقی مانده از این جنایت را در این محل برگزار خواهیم کرد. جانپان برعکس دادگاه‌های خودشان می‌توانند برای خود وکیل بگیرند. دادگاه‌ها علنی خواهد بود و رو به جهان پخش خواهد شد. احکام اعدام به گورستان تاریخ سپرده شده و جهان از این دادگاه‌ها خواهد آموخت تا زندان و شکنجه و اعدام را برای همیشه به گورستان تاریخ بسپارد. نه می‌بخشیم و نه فراموش می‌کنیم!

# قانون عفاف و حجاب، با تلاق رژییم اسلامی!

## سینا پدرام

احمد علم‌الهدی، نماینده خامنه‌ای در خراسان رضوی، مشکل بی‌حجابی را یکی از مسائل جامعه دانست و اجرای قانون عفاف و حجاب را از مطالبات مردم عنوان کرد. هاشم حسینی بوشهری، امام جمعه قم، نیز از مسافران نوروزی خواست تا حرمت ماه رمضان و شئون اسلامی را رعایت کنند.

از سوی دیگر فحش و فحش‌کاری سران رژییم در مورد جمع شدن یک عده "فاطمه کماندو" و "ساندیس خورهای حرفه‌ای" رژییم در تهران در موافقت با قانون "عفاف و حجاب" واقعا مضحک و

در عین حال کریه بود. مجید انصاری، معاون حقوقی مسعود پزشکیان، با اعلام غیرقابل اجرا بودن بخشی از قانون حجاب، به حامیان حجاب اجباری با کنایه گفت "سربسته می گویم که عزیزان، بیش از ۸ ماه از انتخابات گذشته، ستادهای خود را تعطیل کنید. چرا در شرایطی که دولت با پشتیبانی رهبری در پی حل مشکلات است، عدهای حاشیه سازی می کنند؟"

گنده لات دیگری از طویله اسلامی به نام امیر حسین ثابتی، "طوفان در فوجان" به راه انداخته و خطاب به دولت میگوید "غلط می کنید به چهار نفر جلوی مجلس بگویید تجمع نکنید." در هفته های اخیر هم تجمعاتی در حمایت از حجاب اجباری مقابل مجلس برگزار شده است، که فرماندار تهران آن را

**”غیرقانونی“ خوانده است.**

**وضعیت شیر تو شیری حاکم است و سر درگمی در مقابله با موج فزاینده حضور زنان در هر عرصه از اجتماع ایران بدون حجاب و رعایت قوانین متحجر اسلامی تمامی دم و دستگاه رژیم را فرا گرفته است. همین دیروز خبرآنلاین گزارش داد که باوجود مجوز حضور زنان در استادیوم وطنی قائم‌شهر، حضور آنها در بازی‌های نساجی با تیم‌های پرسپولیس، استقلال و دیگر تیم‌ها ممنوع شده است. دلیل این ممنوعیت مشکلات سخت‌افزاری و کمبود گیت‌ها عنوان شده است. باید فقط گفت عجب!**

**جالب است که بدانید که کمیته مستقل حقیقت‌یاب**

سازمان ملل در گزارشی هشدار داده که جمهوری اسلامی از نظارت الکترونیکی برای شناسایی زنان و دخترانی که از حجاب اجباری سرپیچی می کنند، استفاده می کند. این گزارش تاکید دارد که زنان در ایران با تبعیض سازمان یافته مواجه اند و حجاب اجباری ابزاری برای کنترل اجتماعی شده است.

به عنوان ختم کلام باید نوشت که مبارزه زنان و مردان ایران تا روزی که بساط این رژیم برچیده شود ادامه خواهد داشت. ۴۶ سال گذشته دلیل اثبات این مدعاست.

# دست فقه اسلامی از زندگی مردم سوریه کوتاه

محسن ابراهیمی

احمدالشرع رئیس خودگمارده اسلامی سوریه، قانون اساسی موقت برای پنج سال را امضا کرد. براساس این قانون کذایی، مذهب رئیس جمهور مسلمان و فقه اسلامی منبع اصلی قانونگذاری خواهد بود. مسئولیت قانونگذاری به عهده کیست؟ یک "مجمع مردمی" که یک سوم اعضایش را شخص احمدالشرع منصوب میکند و دوسومش را هم کمیته ای که منصوب اوست!

می بینیم که تغییر لباس از جلیقه تروریستی تحریرالشام به کت و شلوار و کراوات یک تاکتیک

موقت برای جلب نظر روسای دولتها بود تا کمکی برای تثبیتش باشند. نباید کوچکترین توهمی به خود راه داد که در مغز باندهای اسلامی در قدرت حقوق مدنی و شهروندی جایی داشته باشد.

در کنار انتقاد نیروهای دمکراتیک سوریه (قسد) با این توضیح که این قانون ”مغایر واقعیات سوریه و تنوع آن است“، برخورد فرستاده ویژه سازمان ملل حقیقتاً شرم آور است. او از این ”اقدامات“ یعنی فقه اسلامی به عنوان مبنای قوانین کشور، به مثابه تلاشی ”در جهت احیای حاکمیت قانون“ استقبال کرده است. حتماً فرستاده سازمان ملل با ایران تحت سلطه قوانین اسلامی و به تبع آن با عواقب شوم فقه اسلامی در لگدمال کردن حقوق

شهروندی آشناست. معلوم میشود از نهادی مثل سازمان ملل نمیتوان انتظار داشت در جهت حقوق مدنی مردم سوریه گام جدی بردارد. البته انقلاب مردم سوریه توسط دولتهای عضو همین نهاد، با قتل عام توسط بشار اسد و جمهوری اسلامی، با حمایت دولت اسلامی ترکیه از باندهای اسلامی و دخالتهای روسیه و آمریکا و دیگر دولتها به خاک و خون کشیده شد.

تنها پنجره بزرگ امید برای مقابله با آینده شومی که شاخه سنی اسلام سیاسی برای مردم سوریه در نظر دارد، معترضین شجاعی هستند که همان روزهای اول میداندار شدن باند احمد الشرع، با فریاد "بی آزادی زن، آزاد نباشد وطن" در تجمعات



اعتراضی، مبارزه علیه هرگونه تعرض به حقوق شهروندی را آغاز کردند.

میتوان امیدوار بود که با خیز بعدی انقلاب بزرگ زن زندگی آزادی که روزگار خامنه‌ای، متحد سابق بشار اسد و پیشکسوت شیعی احمد الشریع را تیره و تار کرده است، فضا برای همه شاخه‌های اسلام سیاسی تنگتر و میدان برای شهروندان حق طلب سوریه برای مقابله با دست درازی فقه اسلامی به زندگیشان مساعدتر شود. مردم سوریه در نبرد علیه دست درازی مذهب به زندگیشان نباید تنها بمانند.

# رمضان، چهارشنبه سوری و در ماندگی حکومت

## آزاده از ایران

در ماه رمضان سال جاری، جامعه ایران شاهد یکی از بی سابقه ترین چالش های خود در برابر رژیم جمهوری اسلامی است. این ماه که به طور سنتی به عنوان زمان روزه داری و عبادت شناخته می شود، امسال به صحنه ای از مقاومت و سرپیچی مردم علیه حکومت تبدیل شده است. مردم ایران به طور گسترده ای در برابر قوانین سختگیرانه مذهبی که توسط رژیم اعمال می شود، ایستادگی کرده اند و این مقاومت نشان دهنده یک تغییر عمیق در جامعه ایران است.

در سال‌های گذشته، رژیم جمهوری اسلامی تلاش کرده است تا با استفاده از ابزارهای سرکوب و تبلیغات، ماه رمضان را به عنوان نمادی از اقتدار خود تثبیت کند. اما امسال، این تلاش‌ها با شکست مواجه شده است. گزارش‌ها از سراسر ایران حاکی از آن است که بسیاری از مردم به طور علنی در مکان‌های عمومی روزه‌خواری می‌کنند و این عمل به عنوان یک نماد مقاومت در برابر رژیم تلقی می‌شود. این رفتار نه تنها نشان‌دهنده بی‌اعتنایی به قوانین مذهبی است، بلکه بیانگر نارضایتی عمیق از حکومت و وضعیت موجود است.

این تقابل مردم با رژیم، به ویژه در شهرهای بزرگ به وضوح قابل مشاهده است. مردم بدون ترس از

عواقب آن، در ملاء عام غذا و نوشیدنی مصرف می‌کنند. این صحنه‌ها که در گذشته غیرقابل تصور بودند، اکنون به بخشی عادی از زندگی روزمره تبدیل شده‌اند.

مردم ایران حاضر نیستند به دستورات تحمیلی رژیم تن دهند. این مقاومت نه تنها علیه قوانین مذهبی، بلکه علیه کل ساختار حکومتی است که این قوانین را اعمال می‌کند. دهن کجی به این ماه به عنوان نمادی از مقاومت و آزادی خواهی در برابر یک رژیم فاشیستی مذهبی تبدیل شده. این رویدادها نشان می‌دهند که اقتدار رژیم جمهوری اسلامی در حال فروپاشی است و مردم ایران در مسیر رسیدن به آزادی، برابری و رفع تبعیض گام

برمی‌دارند.

همزمانی ایام چهارشنبه سوری با رمضان عدم توجه مردم به مسئولین را بیشتر معنادار میکند. مردم میرقصند، میخوانند، زندگی روزمره را پیش میبرند بی آنکه دین و مذهب را اهمیتی قائل شوند.

چهارشنبه سوری از روی آتش میپیریم، حجاب آتش میزنیم، و ترانه و سرود میخوانیم. زن و مرد با هم شادی میکنیم و امیدمان را برای دنیای عاری از تبعیض و فقر فریاد میزنیم. ما جوانیم و میخواهیم زندگی بی ترس و دلهره داشته باشیم. میخواهیم بی ترس عاشق باشیم و باور کنیم که میتوانیم.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

---

سایت ژورنال:

[/https://journalfarsi.com](https://journalfarsi.com)

ایمیل: [journalfarsi@gmail.com](mailto:journalfarsi@gmail.com)

اینستاگرام:

[www.instagram.com](http://www.instagram.com)

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

[https://twitter.com/Journal\\_Farsi](https://twitter.com/Journal_Farsi)

واتساپ:

۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال